



دانشگاه شاهرود
پیشام

جریان‌شناسی شعر معاصر ایران

(رشته زبان و ادبیات فارسی)

دکتر یوسف عالی عباس آباد دکتر صدیقه سلیمانی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار مؤلف	نه
مقدمه	یازده
فصل اول: بررسی تاریخی - اجتماعی انقلاب مشروطه و زمینه‌های تحول فکری و ادبی ایران	۱
۱-۱ انقلاب مشروطه و بیداری ایرانیان	۱
۱-۱-۱ مدرسه دارالفنون	۳
۲-۱-۱ تأسیس روزنامه	۴
۳-۱-۱ چاپخانه	۵
۲-۱ انقلاب مشروطیت	۶
۳-۱ اوضاع و احوال اجتماعی و مقدمات نظام مشروطیت در ایران	۶
۴-۱ محتوای ادبیات مشروطه	۱۰
۱-۴-۱ زبان	۱۱
خلاصه فصل اول	۱۵
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۱۶
خودآزمایی تشریحی فصل اول	۱۷
فصل دوم: شعر مشروطه	۱۹
هدف کلی	۱۹
هدف‌های یادگیری	۱۹
۱-۲ انقلاب مشروطه و شعر فارسی	۲۰
۱-۱-۲ شعر پیش از دوران مشروطه	۲۰
۲-۲ شعر مشروطه	۲۴
۱-۲-۲ تقی رفعت (۱۳۰۸-۱۳۳۹ ه.ق.)	۳۰

- ۳۱ ۲-۲-۲ میرزاده عشقی (۱۲۷۲-۱۳۰۳ ه.ق/ ۱۸۹۳-۱۹۲۴ م.)
- ۳۲ ۳-۲-۲ ابوالقاسم عارف (۱۲۶۱-۱۳۱۲ ه.ش)
- ۳۳ ۴-۲-۲ ادیب‌الممالک فراهانی (۱۲۷۷-۱۳۳۵ ه.ق)
- ۳۷ ۵-۲-۲ سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) (۱۲۸۷-۱۳۵۲ ق.)
- ۳۹ ۶-۲-۲ ملک‌الشعرای بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ ش.)
- ۴۶ ۷-۲-۲ محمد فرخی یزدی (۱۲۶۷-۱۳۱۸ ش.)
- ۵۴ ۸-۲-۲ نیما یوشیج (۱۲۷۴-۱۳۳۸ ش.)
- ۶۵ ۹-۲-۲ شمس کسمایی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ شمسی)
- ۶۶ خلاصه فصل دوم
- ۶۷ خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم

فصل سوم: جریان سنت‌گرای معاصر

- ۶۹ هدف کلی
- ۶۹ هدف‌های یادگیری
- ۷۰ ۱-۳ نگاهی به سنت‌گرایی
- ۷۱ ۱-۳-۱ تغییر و تحول تدریجی نوع نگرش شاعران و روآوردن به فضاهای معنایی تازه
- ۷۲ ۱-۳-۲ پرداختن به موضوع و مفاهیم عرفانی، مذهبی، اجتماعی، طنز، فکاهی، عشق و...
- ۸۹ خلاصه فصل سوم
- ۸۹ خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم

فصل چهارم: جریان شعر رمانتیک عاشقانه - فردگرا؛ جامعه‌گرا - انقلابی

- ۹۱ هدف کلی
- ۹۱ هدف‌های یادگیری
- ۹۲ ۱-۴ شعر رمانتیک عاشقانه
- ۹۳ ۱-۴-۱ توللی، فریدون (۱۲۹۸-۱۳۶۴)
- ۱۰۱ ۱-۴-۲ نادر، نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸)
- ۱۰۵ ۱-۴-۳ مشیری، فریدون (۱۳۰۵-۱۳۷۹)
- ۱۱۴ ۲-۴ شعر رمانتیک جامعه‌گرا - انقلابی
- ۱۱۴ ۱-۴-۲ رحمانی، نصرت (۱۳۰۶-۱۳۷۹)
- ۱۲۴ ۲-۴-۲ ابتهاج، امیرھوشنگ (۱۳۰۶ -)
- ۱۳۴ خلاصه فصل چهارم
- ۱۳۵ خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم

فصل پنجم: جریان شعر سمبولیسم اجتماعی

- ۱۳۷ هدف کلی
- ۱۳۷ هدف‌های یادگیری
- ۱۳۸ ۱-۵ شعر سمبولیسم

۱۳۸	۵-۱-۱ نیما یوشیج (۱۲۷۴-۱۳۳۸)
۱۳۹	۵-۱-۲ احمد شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹)
۱۵۶	۵-۱-۳ مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹)
۱۷۳	۵-۱-۴ فروغ فرخزاد (۱۳۱۳-۱۳۴۵)
۱۸۳	۵-۱-۵ محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸-)
۱۸۸	خلاصه فصل پنجم
۱۹۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۹۳	فصل ششم: جریان‌های شعر جیغ بنفش، موج نو، حجم، شعر ناب، مقاومت
۱۹۳	هدف کلی
۱۹۳	هدف‌های یادگیری
۱۹۴	مقدمه
۱۹۴	۶-۱ دکتر تندر کیا
۱۹۸	۶-۲ هوشنگ ایرانی (جیغ بنفش)
۲۰۵	۶-۳ موج نو
۲۱۱	۶-۴ شعر حجم
۲۱۳	۶-۴-۱ فعالیت‌های رویایی
۲۱۵	۶-۴-۲ زمینه‌های اجتماعی و مخاطبان شعر رویایی
۲۲۱	۶-۵ شعر ناب
۲۳۱	۶-۶ شعر تجسمی یا پلاستیک
۲۳۵	۶-۷ شعر مقاومت
۲۴۲	خلاصه فصل ششم
۲۴۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۲۴۵	پاسخنامه
۲۴۷	کتابنامه

پیشگفتار مؤلف

زبان و ادبیات فارسی دوگونه شعر دارد: شعر کهن و شعر نو. شعر کهن، که از زمان تغییر و تبدیل‌هایی که در زبان فارسی میانه رخ داد و به‌صورت «فارسی جدید» (زبان دری) درآمد، آغاز شد. شاعرانی از حدود قرن سوم هجری، اشعاری از خود به یادگار گذاشتند و تا زمان انقلاب مشروطه ادامه دارد. در این دوره، شعر دارای وزن عروضی و اسلوب‌های خاص شاعرانه بوده که در قالب‌های گوناگون قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، دوبیتی، رباعی و ... سروده می‌شده‌است. عمر این دوره کمابیش هزارسال است و هیچ واکنشی مبنی بر تغییر و تحول در ارکان و اسلوب‌های شاعرانه آن ایجاد نشد. در این دوره «هیچ کوشش قابل‌توجهی برای شکستن مواضعات شعری قدیم به‌عمل نیامد و کلیه اصول و قوانین عروضی، همچنان ثابت و پابرجای بوده‌است. سلطه کلاسیسیم بر ادبیات فرانسه، در مقابل حکمفرمایی این قراردادها بر شعر فارسی ناچیز و اندک به‌نظر می‌رسد.» (آربری، ۱۳۳۴: ۲۷)

پیش از انقلاب مشروطه، زمینه‌های خاصی در حوزه تفکر ایرانیان گشوده شد و روشنفکران ایرانی با سفر به خارج از کشور و به‌سبب سلطه حاکمان جبار بر کشور و ظلم و ستم آنان بر ایرانیان، از وطن، آزادی و ملیت سخن گفتند. اعتراض‌ها و نظریه‌پردازی‌های روشنفکران و تجددطلبان به دامنه شعر و چهارچوب‌های سنتی آن نیز کشیده شد و با انقلابی که در فکر مردم آن روزگار ایجاد شد، رفته‌رفته از شعر سنتی و کهن ایرانی فاصله گرفتند و به‌سوی شعر نو پیش رفتند و آن را پایه‌گذاری کردند. بزرگ‌ترین اعتراضی که بر آن شعر داشتند این بود که شعر سنتی خیالی و غیرواقع‌گرا

است و با اوضاع اجتماعی - سیاسی آشوب‌زده ایران آن روزگار فاصله‌های بسیار عمیقی دارد. باید شاعران به زبانی شعر سرایند که از آمال، خواسته‌ها، مبارزه‌ها، وطن و ملیت واقعی آنان و مشکلات روز سخن بگویند نه در باب توصیف و مغالطه با معشوق خیالی. با مطالعه بسیار گذرای شعر فارسی و علل رویکرد شاعران ایرانی به شعر نو، ملاحظه می‌شود که آزادی و وطن و مشکلاتی که در آن روزگار بر کشور ایران حاکم بود یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین گام‌ها برای ورود به شعر نو بود. روشنفکران، آزادی‌خواهان، مبارزان و تجددطلبان ابعاد گوناگون هویت ملی را - براساس موقعیت و تفکر خود - درک می‌کردند و در سخنرانی‌های خود که سهم زیادی در بیداری فکری ایرانیان داشت، بیان می‌کردند. پس از آنکه شعر نو به صورت بنیادی به وسیلهٔ نیما یوشیج پایه‌گذاری شد، تا روزگار ما جریان‌های شعری متعددی به وجود آمده و هریک از این جریان‌ها، سهمی در بیان ابعادی از ادبیات ملی ایرانی داشته‌اند. در این کتاب سعی شده مهم‌ترین و کاربردی‌ترین جریان‌های شعر معاصر - نه همهٔ آن‌ها - برای دانشجویان عزیز معرفی شود.

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی امروز که تاریخچه و سرگذشتی خاص دارد، نشان از دو دوره سراسر مجزا و مستقل از یکدیگر دارد: شعر و نثر کهن؛ شعر و نثر نو.

شعر کهن، کمابیش از آغاز دوره فارسی دری آغاز می‌شود، یعنی از دوره‌ای که تغییر و تبدیل‌هایی در فارسی میانه رخ داد و به صورت «فارسی جدید» (زبان دری) درآمد. تاریخ زبان فارسی، دوره آن را در حدود قرن سوم هجری تا زمان انقلاب مشروطه بیان می‌کند که دوره بسیار طولانی و همراه با فراز و فرودهایی بوده است. مانند:

۱. غلبه زبان عربی بر زبان فارسی و مقاومت گروهی از شاعران و نویسندگان بر این پدیده. حکیم ابوالقاسم فردوسی با سرودن مثنوی ارزشمند شاهنامه در برابر این هجوم، تاریخ و فرهنگ باستان و ارزش‌های ملی ایران را پیش کشید.

۲. طبیعت‌گرایی شاعران و گزارش حس و خیال محسوس به وسیله آنان. که جملگی تشبیهات و وجه‌شبهه، محسوس است و هنوز از خیال صرف و انتزاع خبری نیست. بررسی اشعار رودکی سمرقندی، منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی، به طور کامل نشان از این طبیعت‌گرایی دارد.

۳. نفوذ تصوف و پدیده شگفت و شگرف عرفان و عرفانی کردن ابزارهای زبانی شعر و نثر فارسی به دست شاعرانی چون سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، و قدردقترتی چون جلال‌الدین محمد مولوی با «دیوان کبیر» و مثنوی جلیل‌القدر معنوی. البته حوزه نثر نیز با چنین چیزی مواجه هست که حاوی اندیشه‌های خاص گروهی از متفکران ایران در قالب فلسفه عرفان و تصوف است. مانند «اسرارالتوحید»، نوشته

محمدبن مّؤر میهنی که گزارشی از منش اجتماعی و فکری ابوسعید ابوالخیر و همفکرانش ابوالحسن خرقانی، جنید، بایزید بسطامی است.

۴. سیطره استعاره محض در زبان فارسی و دورشدن حوزه خیال شاعران از محدوده تشبیهات محسوس. گاهی شعر فارسی به واسطه پیچاپیچ بودن وجه شبه استعاره، دور از فهم عموم است و به سمت وسوی مغلق گویی منحرف شده است. البته نمی توان زیبایی هنری را از دامن این نوع اشعار زدود و آن ها را نادیده گرفت. مانند اشعار بیدل دهلوی.

۵. بازگشت شاعران به دوره های پیشین، یعنی آغاز رسمیت یافتن شعر کهن و استفاده از زبان آنان که اندیشه و رجعت ناموفقی بوده است. مانند اشعار فتح علی خان صبا. زبان و ایماژهایی که شاعران به کار می بردند نه مطابق با نیاز جامعه آن روزی بود و نه همگام با تغییر و تحولات جامعه از دیدگاه جامعه شناسی و فرهنگی.

۶. نفوذ تفکرات و جنب و جوش های سیاسی که به صورت محسوسی به «مفهوم» و گاه «زبان» و «حوزه خیال» شعر صدمه زده است. مانند شعر فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و دیگر هم مسلک های آنان.

۷. شعر نو و فعالیت هایی که در این راه به انجام رسید و به وسیله علی اسفندیاری، نیما یوشیج، به ثبت تاریخی رسید.

مقوله ای به نام «جریان های شعری»، پس از شعر نو و تثبیت پایه های آن ایجاد شد. اولین تغییرات و رگه هایی از اولین جریان ها به وسیله شاگردان وفادار نیما، مانند احمد شاملو آغاز شد.

دوره شعر کهن، شعر دارای وزن عروضی و اسلوب های خاص شاعرانه بود و در قالب های گوناگون قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی و ... سروده می شد. عمر این دوره کمابیش هزارسال است. در همین دوره هزارساله، گاه قالب «قصیده» حرف اول را می زند، گاه «مثنوی» و گاه «غزل». در این دوران، هیچ واکنشی بر تغییر و تحول در ارکان و اسلوب های شاعرانه آن ایجاد نشد و «هیچ کوشش قابل توجهی برای شکستن مواضع شعری قدیم به عمل نیامد. کلیه اصول و قوانین عروضی، همچنان ثابت و پابرجای بوده است. سلطه کلاسیسم بر ادبیات فرانسه، در مقابل حکم فرمایی این قراردادها بر شعر فارسی ناچیز و اندک به نظر می رسد.» (آبری، ۱۳۳۴: ۲۷)

پیش از انقلاب مشروطه، زمینه‌های خاصی در حوزه تفکر ایرانیان تحصیل کرده یا ایرانیان روشنفکر گشوده شد و روشنفکران ایرانی با سفر به خارج از کشور و به سبب سلطه حاکمان جبار بر کشور، ایرانیان، از وطن، آزادی و ملیت سخن گفتند. اعتراض‌ها و نظریه‌پردازی‌های روشنفکران و تجددطلبان به دامنه شعر و چهارچوب‌های سنتی آن نیز کشیده شد و با انقلابی که در فکر مردم آن روزگار ایجاد شد، رفته‌رفته از شعر سنتی و کهن ایرانی فاصله گرفتند و به‌سوی شعر نو پیش رفتند و آن را پایه‌گذاری کردند. بزرگ‌ترین اعتراضی که داشتند این بود که شعر سنتی، خیالی و غیرواقع‌گرا است و با اوضاع اجتماعی - سیاسی آشوب‌زده ایران آن روزگار فاصله‌های بسیار عمیقی دارد. باید شاعران به زبانی شعر سرایند که از آمال، خواسته‌ها، مبارزه‌ها، وطن و ملیت واقعی آنان و مشکلات روز سخن بگویند نه در باب توصیف و مغالطه با معشوق خیالی.

جریان‌های شعر معاصر

«جریان»، اصطلاح یا مفهومی است که در دوره‌های اخیر وارد متن فارسی و نقد ادبی شده است. اگر به اصطلاح‌ها یا مفاهیمی که در ادبیات فارسی و حوزه نقد ادبی وجود دارد، نگاه کنیم، درمی‌یابیم که آن‌ها دارای تعریف و چارچوب خاصی هستند. به عنوان مثال از دوواژه «مکتب» و «سبک» نام می‌بریم.

مکتب (School) یا صورت کامل‌تر آن، مکتب ادبی (Literary school)، مفهومی فراگیرتر و عام‌تر از «سبک» (Style) دارد. سبک در مفهوم اولیه و اصلی خود دارای صبغه‌ای شخصی است؛ درحالی‌که مکتب، صورت جمعی دارد. مکتب، شیوه‌ای است که گروهی از هنرمندان از آن پیروی می‌کنند؛ اما سبک، شیوه و راهکار ادبی - هنری است که هر شاعر، نویسنده و یا هنرمندی برای خود برمی‌گزیند و مخصوص او می‌شود. گودن در تعریف سبک می‌نویسد: «سبک، شیوه ویژه‌ای است از بیان در شعر یا نثر، یعنی اینکه چگونه نویسنده‌ای خاص، پدیده‌ها را بیان می‌کند. بررسی و تحلیل سبکی این موارد را دربرمی‌گیرد: بررسی گزینش نویسنده از لغات، شکل کلام او، شگردهای شعری و بلاغی او و نوع جمله‌ها و پاراگراف‌هایش، و درحقیقت دربرگیرنده همه جنبه‌های زبانی و شیوه‌های بیانی است که نویسنده از آن بهره می‌گیرد. سبک آن‌گونه که بوفن بیان کرده است، خود انسان است.» (داد، ۱۳۷۱: ۶۶۳)

وی «مکتب» را این‌گونه تعریف می‌کند: «این اصطلاح درمورد گروهی از نویسندگان به‌کار می‌رود که همگی چونان پیکره‌ای واحد و مؤثر به‌هم می‌پیوندند. گروهی که بیشتر در اصول با هم توافق دارند و آثار خود را بر آن اصول بنا می‌نهند. گاهی این اصول در هیأت بیانیه‌ای جلوه‌گر می‌شود. یک مکتب ممکن است نهضتی را به‌وجود آورد که حوزه نفوذ آن به چندین کشور کشیده‌شود. مکتب‌ها ممکن است دوره حیات کوتاهی داشته باشند؛ اما تأثیرگذاری آن‌ها ممکن است تا سال‌ها بعد ادامه داشته باشد به‌خصوص وقتی که اصولی که مکتب بدان مبتنی است، طبیعتی انقلابی داشته باشد.» (همان: ۶۰۶)

تعریفی که از مکتب به نقل از گودن یاد کردیم، مشخص می‌کند که مکتب‌ها به شیوه‌های مختلف رسمی می‌شوند و اعلام موجودیت می‌کنند. پایه‌گذاران اولیه مکتب، خود نیز از خصلت‌های ویژه کار خود آگاه نبوده‌اند و شخص یا اشخاص دیگر که اغلب منتقد یا خود هنرمند بوده‌اند، شیوه‌های هنری آنان را تشخیص داده و تدوین کرده‌اند و آن را در بیانیه‌ای که به اصطلاح «مانیفست» یا «مram نامه» می‌نامند، اعلام کرده و هدف‌ها و روش‌های آن مکتب را توضیح و شرح داده‌اند. هنرمندان دیگر آن روش‌ها را ادامه داده و تکمیل کرده‌اند. این‌گونه مکتب شکل می‌گیرد؛ اما گاه به‌ندرت اصول بعضی از مکتب‌ها در وهله اول به شکل تئوری و نظریه اعلام شده، سپس شاعران و نویسندگان آن را به مرحله عمل درآورده‌اند. در این صورت در اغلب موارد گروهی با اصول عقاید و روش‌ها و هدف‌های مشترک گرد هم آمده‌اند، مانیفست خود را اعلام و آن را در آثار خود اعمال کرده‌اند و تلاش آنان که اغلب در جمع معدودی محدود بوده و تنها شکل جریان ادبی را داشته‌است، منجر به پیدایش مکتب خاص شده‌است. (رک، میرصادقی، ۱۳۷۳: ۲۵۰-۲۵۱)

درباره مفهوم و دایره کاربرد «جریان»، تعریف جامع و کمابیش مانعی به‌عمل نیامده‌است. باتوجه به تعریف‌های بسته‌وگریخته‌ای که از این اصطلاح یا مفهوم در گفتار و نوشتار شاعران معاصر می‌یابیم، مشخص می‌شود که مقصود از آن، گروه‌های خاصی از شاعران با روش و ویژگی‌های مخصوص به خود است. می‌شود گفت که - البته در حوزه بسیار تنگ‌تر و دایره محدودتر - مشابه با مفهوم «مکتب» است. حمید زرین‌کوب در مقدمه کتاب «چشم‌انداز شعر نو فارسی» از این اصطلاح یاد کرده‌است.

(رک، زرین کوب، ۱۳۵۸: ۴-۶)؛ برخی از این جریان‌ها مانند حجم‌گرایی، مثل مکتب‌های اروپایی دارای مرام‌نامه یا مانیفست بوده‌اند و در آن‌ها نظام فکری و عوامل ایجاد چنین جریان‌هایی ذکر شده‌است. به سبب وجود چنین بیانیه‌هایی است که جریان‌های شعر معاصر از هم تشخیص‌دانی هستند و هنگام نقد آن شعرها و یا بحث دربارهٔ پیدایش و افول چنین جریان‌هایی به نکات بارزی که یا در مانیفست نوشته شده و یا شاعران پیرو آن جریان از آن‌ها پیروی کرده‌اند، اشاره می‌شود.

جریان‌هایی که در شعر فارسی رخ داده، یا در حال رخ دادن است، نیز «شعر نو» و شیوهٔ شکل‌گیری آن، نشان از جدال، نزاع و کشمکش «سنت» و «مدرنیسم» است. نزاع بین این دو، تغییرات عمده‌ای در زبان، واژگان، نحو و گرامر آن پدید آورده‌است - البته نه بدان معنا که ساختار و پیکرهٔ زبانی را تغییر داده‌است - در حوزهٔ خیال و تصویرهای شاعرانه و قوانینی که بر حوزهٔ خیال انسان جاری است، نیز تفاوت‌هایی فاحشی ایجاد شده‌است که ذیل «شعر نو» و «جریان»‌های آن تقسیم‌بندی شده‌است.

گذار سنت به مدرنیسم، در ادبیات و زبان ملل مختلف، به صورت‌ها و شیوه‌های گوناگون اتفاق افتاده‌است، یعنی تمام ملت‌ها، ساختار و کیفیت خاصی از زبان و تاریخ سیاسی - اجتماعی - فرهنگی مخصوص به خود دارند که شیوهٔ گذر سنت به مدرنیسم و نزاع بین آن‌دو، نیز مخصوص به خود آن زبان و فرهنگ است. این تفاوت‌های موجود در هر زبان و هر فرهنگی نشان می‌دهد که به عنوان مثال، کشمکش میان سنت و مدرنیسم زبان و جامعهٔ ایران، به طور دقیق مانند کشمکش میان سنت و مدرنیسم زبان انگلیسی و جوامع آن نبوده‌است.

سنت و مدرنیسم از جوامع سنتی و مدرنیته و پسامدرن^۱ نشأت می‌گیرد. درخصوص این جوامع به صورت فشرده باید گفت که جامعهٔ سنتی، عصر جوامع ابتدایی کشاورزی، گردآوری خوراک و رسیدن به مراحل پیشرفتهٔ کشاورزی است. مدرنیسم، عصر صنعتی‌شدن (رک، گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۷۴-۳۹۷)؛ عصر اکتشاف و حرکت به سمت تغییر و تحول اجتماع، سیاست و تکنولوژی بود. مدرنیست‌ها معتقد بودند انسان با معرفی اشیا (object) به خود می‌تواند با جهان بیرون ارتباط برقرار و دربارهٔ آن‌ها معرفت حاصل کند. «جهان‌شمولی» از ویژگی‌های مدرنیسم است. آغاز پیدایش

۱. پسامدرن، جریان‌ها و اتفاقاتی است که هر جامعه‌ای به مدرنیته و قوانین پس از مدرنیته نشان داده‌است.

پست مدرنیسم چندان مشخص نیست. «متافیزیک نظری در چارچوب مدرنیته، از حرکت خود به مثابه نیرویی امیدبخش و متریقی برای آزادسازی بشریت از چنگال جهالت و خردستیزی نام می‌برد.» (روسنائو، ۱۳۸۹: ۲۲)؛ فشردگی زمان - مکان، فاصله‌های عصر مدرن را از میان برده‌است. جیمسون از آن با عنوان «منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر» یاد می‌کند. (جیمسون، ۱۳۷۹: ۷۱)

پست مدرنیست‌ها جهان‌شمولی را رد می‌کنند. آن‌ها معتقدند چون انسان دارای هویت ثابت، پایدار، منسجم و معینی نیست، نمی‌توان ویژگی‌های انسانی را به همه انسان‌ها و در کل جهان تعمیم داد. به همین علت امور جهانی اهمیت خود را نزد پست مدرنیست‌ها از دست می‌دهند و امور محلی و ناحیه‌ای از اعتبار ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. (Lyotard, 1988, p. 36)

پست مدرنیسم، دیدگاه متقابل سنت و نگاه سنتی است. سنت در اصطلاح به وضعیتی اطلاق می‌شود که تمام هویت خود را در گذشته تعریف می‌کند. دوران استیلای آیین‌ها و مناسک و روایت‌های اسطوره‌ای و آیینی است. ویژگی بارز اندیشه‌های سنتی، مطلق‌باوری است. به همین جهت سنت بر مدار تکلیف می‌چرخد. در معرفت‌شناسی سنتی، شهود باطنی و عقل کلی در جایگاه نخستین قرار می‌گیرند و عقل جزئی و دانش تجربی مرتبه‌ای فروتر دارند. ذهنیت‌گرایی و نگاه سوپزکتیو؛ گذشته‌گرایی در عین آرمان‌گرایی؛ کلیت‌گرایی؛ هنجارگرایی و قاعده‌پذیری و اصالت معنا و پیام‌محوری، ویژگی‌های سنت است. «مدرنیسم، چهارچوب‌های فکری خود را در ضلالت با سنت و نقد گذشته تعریف و بر تقدس‌زدایی از ارزش‌های سنتی بنیاد تفکرات خود را استوار می‌کند. اصول اندیشه‌های مدرن را می‌توان چون مثلی درنظر گرفت که یک ضلع آن را دنیاگرایی (Secularism) و مادی‌گری (Materialism)؛ ضلع دوم را عقل‌گرایی (Rastionalism)، علم‌باوری و تجربه‌گرایی (Experimentalism) و ضلع سوم آن را اندیشه‌های مربوط به نوجویی و پیشرفت (Progressionism) تشکیل می‌دهند. مثلی که تمام آن را اومانیزم (Humanism) و فردگرایی (Individualism) پوشانده است. بنابراین دوران مدرن با حضور پررنگ انسان همراه است. مدرنیته بر اینجایی و اکنونی بودن تأکید دارد.» (نوذری، ۱۳۸۰: ۸۱)

شعر مدرن فارسی که با تلاش و پای‌مردی نیما یوشیج تثبیت شد، دارای ویژگی‌هایی است که با اندیشه‌های مدرن مطابقت دارد. گذار از سنت به مدرنیته، پدیدهٔ مدرنیسم و عصر پس از مدرنیسم که «پسامدرنیسم»، خوانده می‌شود در هنر و ادبیات نیز انعکاس یافته‌است. این اتفاقات یا واکنش‌های جمعی به پدیده‌های اجتماعی، یکی از علت‌های اصلی شکل‌گیری «جریان»های شعر فارسی است.

جریان‌های شعر فارسی معاصر عبارت‌اند از: جریان شعر سنت‌گرای معاصر (مانند: شهریار، رهی معیری، مهدی حمیدی شیرازی)؛ جریان شعر رمانتیک عاشقانهٔ فردگرا (مانند: توللی، نادرپور، مشیری)؛ جریان شعر رمانتیک جامعه‌گرا و انقلابی (مانند: ابتهاج، رحمانی)؛ جریان شعر سمبولیسم اجتماعی (مانند: اخوان ثالث، شاملو، سپهری، فرخزاد، آتشی، شفیع کدکنی)؛ جریان شعر موج نو و حجم‌گرایی (مانند: احمدی، رؤیایی)؛ جریان شعر ناب (مانند: منوچهر آتشی)؛ جریان شعر مقاومت (مانند: صفارزاده، موسوی گرمارودی، میرزازاده) و پست‌مدرنیسم و جریان یا نسل شاعران پس از انقلاب در قالب غزل نو افراطی، چهارپاره (دوبیتی پیوسته)، شعر آزاد (نیمایی، سپید، موج نو و ...) شاخص‌ترین چهره‌های این نسل یا جریان عبارت‌اند از حسن حسینی، قیصر امین‌پور، حمید سبزواری، مهرداد اوستا، علی معلم، احمد عزیزی، محمدرضا عبدالملکیان، یوسف‌علی میرشکاک، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، ایرج قنبری، صادق رحمانی، سیدعلی میرافضلی، عباس باقری و ...

البته جناح شعر روشنفکری که در سال‌های اولیهٔ انقلاب و جنگ حضور چندانی نداشت، از اواسط دههٔ ۶۰ در مجله‌های چپستا، کلک، آدینه، دنیای سخن، گردون، تکاپو، آرمان، آینده، ارغنون، سیمرغ، کارنامه، بایا و مانند این‌ها به نشر شعر و اندیشهٔ خود پرداخت. این جناح یا گروه، بیشتر از شیوهٔ شاملو یا ترجمهٔ اشعار مدرن و پست‌مدرن غرب بهره می‌گرفتند، به شدت تحت تأثیر شعر، رمان، نقد، نظریه‌های مدرن ادبی غرب بودند که شعر را به دامن «فرمالیسم» و شکل‌گرایی انداختند و زمینه‌ساز شعر آرمان‌گرای دههٔ ۶۰ و سرتاسر دههٔ ۷۰ شدند. در این میان، پایان جنگ هشت‌سالهٔ عراق بر ضد ایران، بی‌تأثیر نبود. فضای پس از جنگ، دو گرایش شعری آرمان‌گرا و آرمان‌گرایز را ایجاد کرد. آرمان‌گرایان، همان شاعران انقلاب، در تلفیق «فرم» و «محتوا» می‌کوشیدند و آرمان‌گرایان، بیشتر به فرم و ساختار می‌اندیشیدند که میراثی بازمانده از

اندیشه ولادیمیر ولادیمیروویچ مایاکوفسکی (۱۸۹۳-۱۹۳۰)، جوان آینده‌گرا و فوتوریست روس، است. می‌توان از آرمان‌گرایان و آرمان‌گیزانی مانند منوچهر آتشی، نصرت رحمانی، منصور اوجی، حمید مصدق، رضا براهنی، جواد مجابی، سیدعلی صالحی، بیژن جلالی و محمد شمس لنگرودی، ضیاء موحد، مسعود احمدی، فرشته ساری، علی باباچاهی، شاپور بنیاد، ژیلای مساعد، حافظ موسوی، فرج سرکوهی، شاپور جورکش یاد کرد.

رخدادهای مختلف سیاسی - اجتماعی ایران، نیز رفت‌وآمدهای نظریه‌های مختلف ادبی و دستوری و جنبش‌های سیاسی - فکری در درون‌مایه شعر ایران تأثیر مستقیم داشت و یا به شکل خزنه در قلم و اندیشه شاعران ردپایی از خود به جای می‌گذاشت. تحولاتی که در حوزه دستور زبان نیز شکل می‌گیرد به طور کامل بر فرم و محتوای شعر پارسی معاصر سایه افکنده است. البته هریک از این جریان‌ها با وجود مخالفان و موافقان به علت‌هایی نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و به صورت شعر تثبیت شده فارسی درآیند. در این کتاب سعی بر این است مباحثی که به ضرورت با شعر فارسی و جریان‌های موجود پیوند دارند، به دو صورت بنیادی و گذرا مطرح شود. به سبب فرصت و مجال اندکی که در اختیار داریم، شاعران مطرح، نظریه‌ها و نمونه‌های شعری که نشان‌دهنده و یا نماینده یک جریان شعری خاص است، ذکر شده است.

ذکر دونکته در پایان مقدمه ضروری است.

۱. به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از تمام منابعی که در سرتاسر کتاب به شکل (رک، ...) آدرس داده شده است، استفاده برده‌ایم. علت اصلی گیومه‌پردازی نکردن این است که ممکن است فقط از «واژه»، «اصطلاح» یا «درون‌مایه فکری» نویسنده کمک گرفته، در پردازش و نوشتن عبارات استفاده کرده‌ایم. رعایت امانت، همواره ایجاب می‌کند نام نویسنده را به عنوان منبع فکر و کلام خود ذکر کنیم.

۲. در این کتاب بیشتر به جریان‌های اصلی زبان فارسی اشاره کرده‌ایم. به سبب فرصت اندک، از ذکر جریان‌های حاشیه‌ای در کنار بوده‌ایم.

فصل اول

بررسی تاریخی - اجتماعی انقلاب مشروطه و زمینه‌های تحول فکری و ادبی ایران

هدف کلی

آشنایی با انقلاب مشروطه و زمینه‌هایی که چنین خیزشی را مهیا کرد.

هدف‌های یادگیری

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل:
۱. با مفهوم تاریخی مشروطه و زمینه‌های آن آشنا شوند.
 ۲. افرادی را که نقش تعیین‌کننده‌ای در نشان دادن تأثیر انقلاب و خیزش اجتماعی بر نشر و شعر داشته‌اند، بازشناسند.
 ۳. حوزه کار و فعالیت هریک از پیشروان نشر انقلاب مشروطه را معرفی کنند.
 ۴. افراد صاحب‌قلم و تحصیلکرده‌ای را که در تأسیس روزنامه و پیشبرد اهداف جامعه‌شناسی نو، سهمی داشتند معرفی کنند.
 ۵. طلوع ادبیات جدید (ادبیات مشروطه) را از دل انقلاب مشروطه بازشناسانند.

۱-۱ انقلاب مشروطه و بیداری ایرانیان

ایران در عهد صفویه به علت ارتباط‌ها و جنگ‌هایی که با دولت عثمانی داشت، کم‌کم با اروپا و تحولات اجتماعی پس از قرون وسطی آشنا شد. اروپا که پس از قرون وسطی

با دید تعلقی به گذشته و حال خود می‌نگریست، همه دستاوردهای مادی و معنوی خود را با نگرش انتقادی می‌کاوید. شک‌و‌تردید به درستی داشته‌ها و یافته‌ها بر جان اروپا چنگ انداخته بود. همین شک به درستی داشته‌ها و نگاه انتقادی به آن بود که راه اروپا را برای رسیدن به جهان نو هموار می‌کرد. آقامحمدخان قاجار درحالی سلسله سنتی قاجاریه را در ایران بنا می‌نهاد که اروپا به سرعت درحال دگرگونی‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی بود، (۱۱۹۳ ه. ق / ۱۷۷۹ م. یعنی ده سال پیش از انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ م.). از سال ۱۲۱۴ ه. ق / ۱۸۰۰ م. به بعد بود که ایرانیان با اروپاییان در مسائل سیاسی و حکومتی در تعامل بودند. درگیری با سیاست‌های ملل اروپا، از نخستین گام‌های ایران برای آشنایی با جهان و زندگی جدید بود. عباس میرزا (۱۲۴۸ ه. ق / ۱۸۳۳ م.) و امیرکبیر که در سال ۱۲۷۶ ه. ق دارالفنون را به سبک اروپایی‌ها در تهران افتتاح کرده‌بود، جزء معدود ایرانیانی بودند که در این دگرگونی‌های اجتماعی نقش پیش‌رو را برعهده داشتند. ایرانیان با تأثیرپذیری از این دگرگونی‌ها و پذیرش بعضی از الگوهای اجتماعی - سیاسی اروپا و مقایسه آن‌ها با الگوهای فرهنگی - اجتماعی جامعه بسته ایران برای تغییرات بنیادی مصمم‌تر می‌شدند. هرچه دایره ارتباط شرق و غرب وسیع‌تر می‌شد، آشنایی مشرقیان به‌ویژه ایرانیان با مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روز هم افزون‌تر می‌شد. رواج صنعت چاپ، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها، مسافرت ایرانیان به ممالک اروپایی با مسافرت‌های سیاسی - سیاحتی برخی از اروپاییان و مقایسه میان این انحطاط و آن ترقی ازجمله مواردی است که در بیداری و نوع نگرش ایرانیان به جامعه و مداخله نخبگان و شاعران و نویسندگان و مردم در امور اجتماعی تأثیر فراوانی داشت که زمینه شکل‌گیری انقلاب مشروطه را فراهم می‌آورد. در سال ۱۳۲۴ ه. ق) مظفرالدین‌شاه نخستین قانون اساسی مدون پارلمانی را امضا کرد و نام خود را در صدر ایجادکنندگان نظام پارلمانی ایران جای داد. پنج‌روز پس از امضای قانون اساسی، از دنیا رفت و فرزند مستبد او، محمدعلی‌شاه، حکومت را در دست گرفت. قانون و آزادی در همان آغاز راه به‌علت ستیز روس‌ها با مشروطه‌خواهان به‌سبب ازدست‌رفتن منافع آنان در ایران با بی‌مهری شاه خودکامه مواجه شد. هرچه سرکوب انقلابیون به‌دست محمدعلی‌شاه شدیدتر می‌شد، مشروطه‌خواهان برای تغییر حکومت مصمم‌تر می‌شدند. تا اینکه در سال ۱۳۲۷ ه. ق) با فتح تهران به‌دست

مشروطه‌خواهان، محمدعلی‌شاه قاجار از تهران گریخت و فرزند او احمدمیرزا به پادشاهی ایران انتخاب شد. پیش از وقوع انقلاب مشروطه و امضای آن به‌دست احمدشاه، عواملی در ایجاد تغییرات اساسی در نشر فارسی نیز مداخله داشت. پیش از آنکه به انقلاب مشروطیت بپردازیم، به این موارد اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱ مدرسه دارالفنون

دارالفنون از نوآوری‌های امیرکبیر در ایران است. «دارالفنون، از واژه دارالفنون عثمانی گرفته شده که به فرانسوی آن را پلی تکنیک می‌گویند.» (مکی، ۱۳۶۰: ۲۳۹)

محمدتقی امیرکبیر، آکادمی‌ها و مدرسه‌های مختلف روسیه را دیده بود و از بنیادهای فرهنگی دنیای جدید خبر داشت. تأسیس مدرسه‌ای برای تعلیم دانش و فن غربی، مستلزم آوردن استادان خارجی بود؛ به‌علاوه مراقبتی پیگیر لازم داشت. درعوض دامنه فعالیت آن گسترده‌تر و تأثیرش در تحول اجتماعی عمیق‌تر بود. امیرکبیر به این کار تصمیم گرفت. قصد وی در درجه اول معطوف به دانش و فن جدید بود و بعد به علوم نظامی توجه داشت. این معنی از مطالعه تطبیقی برنامه‌های درسی دارالفنون و نامه‌های امیر راجع به رشته تدریس استادانی که استخدام شدند، روشن می‌شود. این مدرسه، روز یکشنبه، پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۷ (سیزده‌روز پیش از کشته‌شدن میرزاتقی‌خان امیرکبیر) رسماً گشایش یافت. دارالفنون ایرانی، مولود یک سلسله حوادث ناگوار و جریان‌های سیاسی بود که از آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه تا ظهور میرزاتقی‌خان امیرکبیر به منصه بروز رسیده و افکار منور و حساس را به‌طورکامل به خود جلب کرده‌است. «دارالفنون به‌عنوان بنیاد فرهنگی نو در سه جهت اصلی در هیئت جامعه ایران تأثیر بخشید: یک) از نظر تحول عقلانی: گرچه تعلیمات دارالفنون مقدماتی بود، چون در محیط نیمه‌خلاء فکری زمان انعکاس یافت ارزش آن از لحاظ کیفیت به مراتب مهم‌تر از کمیت آن است. با نشر اصول علمی جدید، نقص تعلیم پیشینیان تا اندازه‌ای آشکار شد و دانسته شد که قسمت زیادی از آموخته‌های گذشته، پایه‌اش بر آب است و قسمت دیگر آن ناقص و نارسا؛ دو) از نخستین سال گشایش دارالفنون، دانش غربی میان طبقه‌های وسیع‌تری از اجتماع شناخته شد. از این‌ نظر دارالفنون، دریچه‌ای به‌سوی معرفت جهان نو باز کرد؛ سه) با گذشت زمان از فارغ‌التحصیلان آن مدرسه، صنف تازه‌ای به‌وجود آمد که بیشتر از